

بیداری اسلامی و چالش‌های پیش رو در کشورهای خاورمیانه

دکتر مهدی ناظمی اردکانی^۱، احمدعلی امام^۲، سیدمهدی جانفشان^۳، مجید نجات‌پور^۴

چکیده

شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی در کشورهای منطقه خاورمیانه تحت تاثیر زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. هویت‌یابی فرهنگی، مشکلات اقتصادی، نظام‌های دیکتاتوری از جمله مشکلات مردم این کشورها بوده است. دولت‌مردان این کشورها وابسته به جریان سلطه بودند و در جهت حفظ امنیت رژیم صهیونیستی و حضور موثر ایالت متحده آمریکا در منطقه گام‌های موثری برداشته‌اند. اما مردم این کشورها با شناخت اوضاع خود و عوامل عقب‌ماندگی‌شان در صدد احیای تعالیم دینی برآمده‌اند.

وقوع انقلاب در کشورهای اسلامی همان‌طور که فرصت‌هایی را برای کشورهای اسلامی ایجاد نموده، چالش‌های جدیدی را نیز برای مسلمانان و کشورهای اسلامی شکل داده است. زمینه‌ی آسیب‌های پیش رو بیداری اسلامی در کشورهای منطقه در دو سطح داخلی و خارجی قابل طرح و بحث می‌باشد. از یک سو رقابت داخلی احزاب و گروه‌های مختلف در داخل این کشورها چالش مهمی برای بیداری اسلامی در این کشورها است. از سوی دیگر همزمان با این تغییر و تحولات، دخالت کشورهای غربی مانند آمریکا و اسرائیل و سایر کشورهای غربی در این جوامع کاهش یافته است. بنابراین کشورهای غربی بر علیه بیداری اسلامی دست به فعالیت خواهند زد. آن‌ها به شیوه‌های مختلف از جمله ایجاد جنگ داخلی، نفوذ در سیستم حکومتی و تحریم اقتصادی کشورها برای تحریف انقلاب تلاش خواهند نمود. مقاله حاضر می‌کوشد با استفاده از روش اسنادی- کتابخانه‌ای، ضمن تبیین اهداف و زمینه‌های شکل‌گیری بیداری اسلامی به چالش‌های پیش رو در کشورهای منطقه خاورمیانه بپردازد.

واژگان کلیدی: انقلاب‌های عربی، بیداری اسلامی، هویت اسلامی، خاورمیانه، چالش‌ها.

۱- استادیار و مسئول گروه اندیشه و مطالعات فرهنگی دانشکده فرهنگی و اجتماعی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲- مربی و دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه علامه طباطبایی

۳- کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه علامه طباطبایی

۴- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

برانگیختگی مکتبی و آگاهی بخش در امت اسلامی، منجر به بیداری اسلامی شده امری که منشا تحولات زیر ساختی، بنیادین، تاریخی و تمدن ساز خواهد شد. بیداری اسلامی محصول تراکم معرفت‌های و تجربه‌های تلخ و شیرین، میراث تمدن بشری، شخصیت و رهبران جریان ساز اسلامی است. این حرکت، خروش و خیزش با انرژی هوشمند مرهون معرفت یافته مردم، به عنوان اصلی‌ترین و واقعی‌ترین بهره‌وران محصول بیداری به وقوع می‌پیوندد و انتظار چندین ساله امت اسلامی را علی‌رغم ناباوری رژیم‌های وابسته سرزمین‌های اسلامی به بهار شور و شعور اسلامی رهنمون می‌سازد.

موج اول بیداری اسلامی در قرن نوزدهم به وسیله سیدجمال‌الدین اسدآبادی هدایت شد و تا حدودی باعث تغییر و تحولاتی در اندیشه و آگاهی مسلمانان شد. سیدجمال حدود ۱۵۰ سال پیش تنها راه نجات مردمان شرق و به ویژه مسلمانان در بند استعمار و استثمار را «بیداری» یعنی بازگشت به اصول و مبانی اسلام ناب مطرح کرد. او بیداری مسلمانان از خواب غفلت چندین ساله را تنها راه نجات و رستگاری دنیوی و اخروی آنان می‌دانست.

موج دوم بیداری اسلامی در قرن بیستم به وسیله امام خمینی، به وجود آمد و در قالب جمهوری اسلامی ایران عینیت یافت. امام خمینی با تکیه بر فقاقت اصیل اسلامی و شناخت کامل مختصات تمدنی اسلام و همچنین اشراف بر وضعیت مسلمانان و آخرین ترفندهای غرب، در مسیر احیای گام نهاده و رسالت خویش را به کامل‌ترین شکل ممکن به انجام رسانده است.

موج سوم بیداری اسلامی در حال حاضر در شمال آفریقا و منطقه خاورمیانه در حال نضج و گسترش است؛ امواج عظیمی که تاثیرات آن حتی به فراتر از منطقه راه یافته است. این جنبش‌ها از تونس شروع شده و به سرعت به سایر کشورهای اسلامی از قبیل مصر، یمن، بحرن، لیبی، اردن و عربستان سعودی کشیده شد.

شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی در این کشورها تحت تاثیر زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. بیکاری، مشکلات اقتصادی، نظام‌ها دیکتاتوری از جمله مشکلات مردم کشورهای مصر و تونس بوده است. دولت‌مردان این کشورها (تا قبل از تحولات اخیر) وابسته به جریان سلطه بودند و در جهت حفظ امنیت رژیم صهیونیستی و حضور موثر ایالت متحده آمریکا در منطقه گام‌های موثری برداشته‌اند. اما مردم این کشورها با شناخت اوضاع خود و عوامل عقب‌ماندگی‌شان در صدد احیای تعالیم دینی برآمده‌اند. به عبارت دیگر توجه به تعالیم دینی و اجرای دستورات

اسلامی توسط حکومت را، چاره وضع موجود می‌بینند. اما حاکمان جوامع اسلامی، سعی دارند تا مانع تحقق این جنبش‌ها شوند. آمریکا هم به‌عنوان یک کشور طرفدار حفظ وضع موجود، از همان آغاز ناآرامی‌ها در تونس، کوشید از رادیکال شدن این جنبش‌ها جلوگیری نماید و نگذارد موج خواسته‌ها و تظاهرات مردمی درسرمین‌های عربی گسترش یابد. به عبارت دیگر آمریکا به‌عنوان یک بازیگر بزرگ در پهنه جهانی و مطرح‌ترین و نافذترین بازیگر در خاورمیانه عربی، درصدد است تا آسیبی به منافعش در جهان عرب نرسد. پژوهش حاضر تلاش دارد تا ضمن نگاهی اجمالی به پدیده بیداری اسلامی به بررسی تهدیدها و چالش‌های پیشروی حرکت‌های اسلامی در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه پردازد.

۱- بیداری اسلامی

بیداری، ضد خواب است؛ پس بیداری اسلامی به معنای حیات و زندگی است و نیز، به معنای فعال شدن هوش (آگاهی) به کار می‌رود و اسلامی به مفهوم تبعیت و پیروی از آموزه‌های برترین دین الهی است. در نتیجه، بیداری اسلامی به معنای حیات برتر (برین) و یا تلاش برای دستیابی به آن است و این حیات، تنها از دین، قابل دریافت است؛ زیرا خدا به انسان و جهان حیات بخشیده و پیامبرش ما را به آنچه زنده می‌کند، فرا می‌خواند. به سخن دیگر، بیداری اسلامی زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی الهی، بار دیگر زنده می‌شود و یا حیات می‌یابد.

بیداری یا احیاگری اسلامی نوعی اصلاح‌گری دینی است؛ البته نه آن اصلاح دینی که در غرب اتفاق افتاده است. در اصلاح دینی به معنای غربی، دین، دستخوش تغییر و تبدیل قرار می‌گیرد، ولی در پی آن، جامعه دینی نمی‌شود، بلکه دین به قلمرو شخصی رانده شده و در این صورت، دین از عرصه حیات اجتماعی بیرون می‌رود؛ اما بیداری و احیاگری اسلامی، زنده داشتن انسان و حیات اجتماعی بر مبنای دین و به شیوه دینی است و به همین دلیل، باید غبار از سیمای دین زدوده شود و صورت و سیرت دین هویدا گردد که در نتیجه این اقدام، دین به عرصه حیات آدمی باز می‌گردد. به عبارت دیگر، بیداری اسلامی مجهوریت‌زدایی از دین یا بازپیرایی و واخوانی گزاره‌ها و آموزه‌های اسلامی از اجمال و ابهاماتی است که بر سیمای دین نشست است.

در تعریف دیگر می‌توان بیداری اسلامی را توجه و خواست ملت‌های مسلمان برای بازگشت به زندگی و فرهنگ اسلامی دانست. میل بازگشت به مبانی و اصول اسلامی، اکتفا نکردن به دین به عنوان یک مسلک اخلاقی صرف و ورود دین به عرصه سیاست

و اداره جامعه و در یک سخن، حاکم کردن اسلام بر همه شئون زندگی است. به عبارت دیگر، بیداری اسلامی تحولی است حاصل از دمیدن آگاهی و اراده در کالبد به خواب رفته‌ی انسان‌ها و جامعه، به منظور حرکت ارادی و آگاهانه آن در مسیر کمالات فطری خویش در چارچوب نظم و نظام اسلامی که نتیجه آن، احیا و بازیابی هویت فردی و جمعی، یعنی شناخت هویت مسلمانی و مسلمان بودن، بازگشت به هویت جمعی واحد خویش و دارالسلام است.

بیداری اسلامی جنبشی اصلاحی است که با شناخت واقعیت‌های موجود در جامعه اسلامی از دو قرن پیش آغاز شده و در صحنه‌های علمی و عملی روزبه‌روز تکامل یافته و تا به امروز ادامه دارد و در حال حاضر به‌عنوان یک واقعیت در صحنه سیاسی و اجتماعی جهان اسلام و دنیای بشیریت، نقش‌آفرینی می‌کند (خواججه‌سروی، ۱۳۹۱: ۹۷-۹۹).

بیداری اسلامی به لحاظ روند تاریخی در کشورهای اسلامی از گذشته‌های نسبتاً دور یعنی حدود دو قرن پیش تا کنون همواره مورد توجه علما واقع شده است. نهضت بیداری مسلمانان از دو قرن پیش در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شکل گرفت. اندیشمندان و متفکران اسلامی با آگاهی از رکود و انحطاط تمدن و جامعه اسلامی مساله احیا و بازسازی تفکر دینی مسلمانان را به منظور جبران عقب ماندگی و رفع انحطاط مسلمین و چگونگی برخورد با فرهنگ و تمدن غربی و استعمار خارجی مطرح کردند.

بیداری اسلامی و احیای تعالیم اسلامی از زمان سید جمال‌الدین اسدآبادی در قرن ۱۹ تا جنگ جهانی اول اندیشه غالب و مسلط بر جریان‌های فکری و سیاسی - اجتماعی مسلمانان بود. از این رو جنبش احیای اسلامی تأثیرات زیادی بر وضعیت فرهنگی و سیاسی - اجتماعی جهان اسلام به جا گذاشت. به دنبال یک سری تغییر و تحولاتی که در نظام بین‌الملل و روابط بین کشورها پدید آمد، تحرک این نهضت کاهش یافت. البته در این دوره به طور استثنایی افرادی چون اقبال لاهوری در هند، مودودی در پاکستان، سید قطب در مصر و مصلحان شیعی در ایران مساله احیا و بازسازی تفکرات دینی را مطرح نمودند.

بعد از جنگ جهانی دوم و وقوع حوادثی از قبیل شکست پی در پی اعراب از اسرائیل، و مرگ جمال‌عبدالناصر که در رسیدن به اهدافش ناکام مانده بود، همراه با تغییر در نظام جهانی و تغییر در ساختار نظام بین‌الملل و جهان اسلام، و تحولات تازه‌ای که بر اثر تماس با فرهنگ و تمدن غرب بوجود آمده بود، نگرش مسلمانان را نسبت به خودشان و غرب متحول ساخت. با توجه به پویایی اندیشه اسلامی و سازگاری با مقتضیات زمان، جنبش اسلامی معاصر در قالب انقلاب اسلامی متجلی شد (بلنداختر، ۱۳۸۶: ۴۵).

بیداری اسلامی و بازسازی فکر دینی بویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، مورد توجه جهان اسلام قرار گرفت. این فرآیند امروزه با گذشت سه دهه از وقوع انقلاب اسلامی ایران، امروز در سطح بسیار گسترده‌ای در میان کشورهای اسلامی در حال وقوع است. حرکت‌های اسلامی در میان کشورهای منطقه از مهم‌ترین تحولاتی است که از اواخر دهه ۱۳۵۰ شمسی تا کنون در صحنه سیاست جهانی پدید آمده است.

ابعاد گسترده تاثیرات ناشی از ظهور این پدیده سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا، بر سیاست‌های داخلی حکومت‌های منطقه و سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ به وضوح دیده می‌شود. گرایش به بنیان‌های اساسی اسلام که به اصول‌گرایی اسلامی شهرت یافته است، حرکتی مقطعی و محدود به یک کشور خاص نیست، بلکه در تمام کشورهای مسلمان و سرزمین‌های اسلامی و در بین تمام اقشار و گروه‌ها و در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جریان است (شیبانی فر، ۱۳۹۱).

زمینه‌ها و ریشه‌های اصلی این حرکت را باید در عوامل داخلی جوامع اسلامی جستجو کرد. هرچند عوامل خارجی نیز در این زمینه تاثیرگذارند. همچنین با وجود اینکه بیداری اسلامی در هر کشوری باید در چارچوب شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن تحلیل شود اما نمی‌توان علل کلی و زمینه‌های مشترک بروز این نهضت‌ها را نادیده گرفت.

۱-۱ دیدگاه‌های بیداری اسلامی

در مورد بیداری اسلامی نظریات مختلفی مطرح شده است، برخی بیداری اسلامی را ناشی از فقر و بدبختی جوامع مسلمان در رابطه با کشورهای غربی می‌دانند، برخی دیگر آن را محصول مدرنیته می‌دانند، برخی نویسندگان هم بیداری را پدیده‌ای در اعتراض به حکومت‌های ستمگر و استبدادی قلمداد می‌کنند. در مجموع این دیدگاه‌ها را می‌توان در دو دسته جای داد.

۱-۱-۱ دیدگاه همکاری

این دیدگاه بیداری اسلامی را پدیده‌ای مدرن می‌داند، که در اعتراض به برخی مشکلات جهان اسلام، مثل فقر، شکاف‌های فرهنگی و بحران هویت پدید آمده است و این در اصل چالش فرهنگی است که الزاما پاسخی فرهنگی می‌طلبد. طرفداران این دیدگاه بر آن هستند که اکثریت اسلام‌گرایان اهل همکاری و تلاش‌های مسالمت‌جویانه و دموکراتیک هستند. به نظر این گروه از نویسندگان، اسلام‌گرایان در رقابت‌های دموکراتیک قابل جذب هستند و با وارد کردن آن‌ها به فرآیند قدرت، می‌توان در فرآیند قدرت و دموکراسی حلشان کرد.

هراریر دکمجیان، اسلام‌گرایی را نتیجه بحران‌های اجتماعی به تاخیر افتاده یا به عبارت دیگر انباشته شدن سهم توده‌های فقیر و بدبخت جامعه در حوزه‌های اجتماعی،

فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و روحی می‌داند که سبب شده است اسلام‌گرایان به صورت واکنشی عمل کنند و بنیادگرایی اسلامی به صورت زمینه‌ای برای بحران هویت، مشروعیت، و ... در جهان اسلام بروز کند.

هوشنگ امیراحمدی، خشونت و ستیزه‌جویی اسلام‌گرایان را ناشی از فقر، شکاف هویتی و فرهنگی می‌داند. به باور وی ریشه افراط‌گرایی اسلامی را باید در خارج از دین جستجو کرد. به نظر وی مسلمانان امروزی با مشکلاتی همچون یاس فرهنگی، شکست اقتصادی، فشار سیاسی و آشفتگی فکری روبه‌رو می‌باشند (بلنداختر، ۱۳۸۶: ۴۷).

۱-۱-۲ دیدگاه تقابل‌گرا

در مقابل این دیدگاه تقابل‌گرایان قرار دارند. این گروه اعتقاد جدی به برخورد اسلام و غرب دارند. به باور آنان، مسلمانان به لحاظ ضدیت با غرب و ایدئولوژی ضد سکولاریسم، از همان ظرفیت‌های کمونیزم برخوردارند. دانیل پاییز، برنارد لوئیس، فرانسیس فوکویاما، ساموئل هانتینگتون، ریچارد فالک و تعداد زیادی از متفکران غربی از جمله طرفداران این دیدگاه هستند. این گروه چالش بین اسلام و غرب را چالشی فلسفی می‌دانند که میان سرمایه‌های دو جناح یعنی ارزش‌های غربی و هویت اسلامی وجود دارد. به اعتقاد هانتینگتون این چالش که در اصل چالشی هویتی-فرهنگی است، تحت تاثیر عقب ماندگی جوامع اسلامی و پیشرفت غرب تشدید می‌شود. وی تاکید می‌کند که تلاش‌های غرب برای ترویج لیبرال-دموکراسی، به‌عنوان ارزش‌های جهانی و حفظ برتری نظامی و پیشبرد منافع اقتصادی‌اش، واکنش تلافی‌جویانه تمدن‌های دیگر را بر می‌انگیزد (بلنداختر، ۱۳۸۶: ۴۷).

۲- ریشه‌ها و عوامل بیداری اسلامی

بیداری اسلامی به عنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی در عصر حاضر، در قالب جنبش اجتماعی، سازمانی و نهادهای نظامی مدعی رخ نموده است. این جریان در عرصه منازعات سیاسی و امنیتی علاوه بر اینکه موجودیت و نفوذ خود را به اثبات رسانیده است، می‌رود تا به قدرت بلامنازع نقش‌آفرین در سطح جهانی تبدیل شود. در ظهور، قوام و توسعه پدیده بیداری اسلامی زمینه‌ها و عواملی چند دخیل بوده است که به مهم‌ترین آن‌ها به اختصار اشاره می‌شود.

الف- ورود نسل جدید با ویژگی‌های انقلابی به عرصه منازعاتی که فهم ریشه‌ای و واقع‌تری از علل عقب‌افتادگی‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی جوامع خود به ویژه در حوزه فکر و فرهنگ دارند.

ب- توجه به وحدت دینی و بن‌مایه‌های انسجام ایدئولوژیک و درک درست از راهبردهای قدرت‌های خصم و استکباری خصم و استکبار برای گسست در جهان اسلام.

ج- حوادث بیدارکننده منطقه‌ای و جهانی از جمله بحران فلسطین، حوادث ۱۱ سپتامبر، اشغال عراق و افغانستان و راهبرد نبرد ایدئولوژیک غرب به محوریت آمریکا که با هدف تسلط بر جهان اسلام انجام می‌شود، آثار چشم‌گیری بر بیداری اسلامی دارند.

د- رشد و توسعه وسایل ارتباط جمعی و تکامل شیوه‌های تبلیغ اسلام.

ه- انقلاب اسلامی عامل عمده بیداری اسلامی است و نقش ویژه‌ای در بیداری ملل مسلمان ایفا کرده است. عوامل ذکرشده در مرتبه کارکرد خود معلول علت‌العللی به‌عنوان انقلاب اسلامی هستند که در سال ۱۹۷۹ در یک حرکت متکی به اراده عمومی، تمامی زیرساخت‌های سیاسی، اجتماعی، فکری و حتی امنیتی کشورهای هژمون و عوامل مستبد وابسته به آن‌ها را دگرگون کرد و در یک زایش تاریخی، الگویی مقتدر و هوشمند با مدیریت کارآمد را به جریان‌ها و اذهان منتظر ارائه کرد (خواجeh سروی، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۰۰).

رویه‌مرفته می‌توان ریشه‌های بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان را بدین ترتیب برشمرد.

۱-۲ استبداد

یکی از دلایل وقوع انقلاب‌ها در کشورهای اسلامی قیام بر علیه نظام استبدادی می‌باشد. در جوامعی که با پدیده بیداری اسلامی مواجه شده‌اند، حکومت استبدادی حکم فرما می‌باشد. قدرت به طور مطلق در دستان یک گروه اندک بوده و این گروه اندک برای استمرار حکومت خود از ابزارهای سرکوب و دستگاه‌های پلیسی استفاده می‌کنند. اکثر این حکومت‌ها دارای سیستم حکومتی پادشاهی بودند که در آن فردی با ادعای ریاست جمهوری، دیکتاتوری وابسته به پلیس سرکوب‌گر ایجاد می‌نماید و تمام نهادهای مدنی را از بین می‌برد که این امر، حکومت‌ها را فاقد مقبولیت‌های مردمی کرده بود.

در این جوامع مجلس و نخست‌وزیر در کشور نقش کاملاً فرمایشی دارند و تصمیمات مهم داخلی و خارجی کاملاً شخصی گرفته می‌شود. مشارکت سیاسی در این رژیم‌ها پایین می‌باشد. مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف نظام سیاسی است. معمولاً حداقلی‌ترین شکل مشارکت سیاسی، رای دادن در انتخابات است و حضور و فعالیت در احزاب مراتب بالاتر مشارکت سیاسی هستند. در نظام‌های استبدادی انتخابات به صورت فرمایشی برگزار می‌شود، فعالیت احزاب هم با محدودیت‌های بسیاری مواجه می‌باشد و یا برخی احزاب به شکل فرمایشی توسط دولت بوجود آمده و فعالیت می‌کنند (قزوینی، ۱۳۸۷: ۵۱۵-۵۱۴).

با توجه به جایگاهی که مشارکت سیاسی و جامعه مدنی در حکومت‌های ملی دارند، عدم تامین چنین نیازهایی از سوی حکومت کارکرد و بقای حکومت را با مشکل مواجه می‌سازد. حکومت بایستی ظرفیت‌های لازم را برای ایجاد و جذب تحول در جامعه فراهم نموده و وسایل بهبود موقعیت افراد در جامعه را براساس معیارهای درست و منطقی فراهم نماید.

در تونس شخصی به نام زین‌العابدین بن علی رئیس جمهور این کشور بود که نزدیک به ۲۴ سال در این کشور حکومت کرد و توانست حکومتی به ظاهر باثبات را در میان کشورهای عربی ایجاد کند و اکثر مخالفانش را از صحنه سیاسی حذف کرد. در مصر، پس از ترور انور سادات در سال ۱۳۶۰، حسنی مبارک قدرت را به دست گرفت. گرچه انتخابات دوره‌ای ریاست جمهوری ظاهراً در این کشور برگزار می‌شد اما در هر دوره حسنی مبارک برگزیده می‌شد و پس از ۳۰ سال یک ساختار استبدادی شدید در این کشور حاکم می‌شود و هر نوع مخالفت مدنی در این کشور سرکوب می‌گردد (خواجه‌سروی، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

۲-۲ فقر اقتصادی

یکی دیگر از مهم‌ترین دلایل بیداری اسلامی در کشورهای منطقه وجود مشکلات اقتصادی است. وجود مشکلات اقتصادی از جمله تورم و گرانی شدید، بیکاری از جمله دلایل گسترش مخالفت با حکومت‌های عربی هستند. با وجود اینکه کشورهای عربی، به ظاهر رشد اقتصادی را تجربه می‌کردند، اما مردم این کشورها از مشکلات اقتصادی فراوانی رنج می‌بردند.

توسعه نامتوازن از یک سو وابستگی کشورهای اسلامی را به کشورهای غربی افزایش می‌داد و از سوی دیگر باعث گسترش فساد و سوء استفاده‌های کلان مالی در حزب و خاندان حاکم شده بود. این در حالی بود که فاصله طبقاتی در این کشورها بسیار زیاد شده بود و به غیر از معدودی از اقلیت غنی، اکثریت مردم در فقر و بیکاری به سر می‌بردند (چرایبی اقتصادی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹).

۳-۲ استعمار و دخالت قدرت‌های خارجی

یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری بیداری اسلامی، مبارزه با استعمار و دخالت قدرت‌های خارجی در امور کشورهای مسلمان می‌باشد. حرکت‌های استعماری غرب در دو شکل استعمار سیاسی (استعمار کهنه) و استعمار فرهنگی (استعمار نو) برنامه

ریزی و اجرا شد. حرکت‌های استعماری غرب را می‌توان طی دو مرحله بررسی نمود:

الف - استعمار سیاسی (استعمار صلیبی / استعمار کهنه)
 غربی‌ها در این مرحله در برخورد با بلاد اسلامی راه حمله نظامی و استیلای سیاسی را پیش گرفتند. و این گونه بود که اصطلاح تحت‌الحمایگی شکل گرفت و کشورهای اسلامی یکی پس از دیگری تحت‌الحمایه یک یا چند کشور غربی قرار گرفته و منابع انرژی آنان ملک اختصاصی و یا مال مشاع‌شان گردید؛ و سرمایه و دست رنج آن‌ها صرف خرید کالاهای غربی و در نتیجه توسعه بیش از پیش صنعتی و اقتصادی غرب شد.

ب- استعمار فکری و فرهنگی (اندیشه‌های نو استعماری / استعمار نو)
 غربیان که یگانه دلیل‌شان از حرکت‌های استعماری، تأمین نیازهای صنعتی و تثبیت آقایی خود بوده و هست؛ استیلای سیاسی را ناکافی و ناپایدار یافتند. از این روی، بر آن شدند تا طرحی دگر در انداخته و اهداف خود را در قالب آن پی‌جویی نمایند. چنین بود که به جای تصرف مرزهای جغرافیایی، به تسخیر مرزهای اندیشه‌ای روی آوردند؛ تا با حذف اختلافات ایدئولوژیک راه را برای تاخت و تازهای سیاسی خود هموار سازند. این ایده، در کشورهای بسیاری نمود خارجی یافت، بدان‌گونه که اختلاف این کشورها با غرب از اختلافات ایدئولوژیک به سمت اختلافات غیر ایدئولوژیک روی نهاد. کشورهای غربی برای رسیدن به اهداف خود از ابزارهای گوناگونی استفاده کرد که می‌توان به این موارد اشاره کرد:

ج- حمایت از احزاب رنگارنگ سیاسی، با هدف نابودی افکار مخالف و ایجاد وابستگی فکری و سیاسی؛

د- بهره‌گیری از مواد مخدر؛

ه- سرمایه‌گذاری برای تضعیف نیروی انسانی و وابسته کردن آنان (موسوی‌هاشمی، ۱۳۹۱).

۲-۴ احیای تعالیم اسلامی

همان‌گونه که در ایران دوره پهلوی، بی‌توجهی به دستورات و قوانین اسلامی، خشم مردم را به دنبال داشته است و فساد سران حاکم به نمادی برای مقابله با آن‌ها تبدیل شد. اکثر قریب به اتفاق کشورهایایی را که بیداری اسلامی در آن‌ها به نتیجه رسیده است یا در حال به ثمر نشستن می‌باشد، مردم مسلمانی تشکیل می‌دهند که تعلق خاطر شدید آن‌ها به اسلام و قوانین اسلامی انکارناپذیر می‌باشد. یکی از ویژگی‌های مشترک

حاکمان این کشورها در وره حاکمیت خود، مبارزه با اسلام‌گرایی مردم این کشورها بود.

اتخاذ رویکردهای سکولار در نحوه اداره جامعه، قلع و قمع مبارزان مسلمان در مصر، برقراری رابطه با دشمن اصلی مسلمانان یعنی آمریکا و اسرائیل، ممانعت از برگزاری واجبات اسلامی مانند نماز و روزه، تنها نمونه‌هایی از اسلام‌ستیزی حاکمان این کشورها علیه اسلام بوده است.

از نشانه‌های اسلام‌خواهی و اسلامی بودن این انقلاب‌ها می‌توان به حضور مردم با نشانه‌های بارز اسلامی نظیر حضور در راهپیمایی‌ها با قرآن، شکل‌گیری گسترده‌ترین تظاهرات علیه دیکتاتورها بعد از نماز جمعه، فراگیر بودن شعار الله‌اکبر به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین شعارهای مبارزه، درخواست مبارزه با اسرائیل به عنوان دشمن منطقه‌ای درجه یک مسلمانان و روی آوردن به حجاب به عنوان نمادی اسلامی اشاره کرد. طبق نکات مذکور مردم در بیداری اسلامی خواهان برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلام و تغییر حکومت از لیبرال دموکراسی، دیکتاتوری، سکولاریسم و وهابیت به حکومتی اسلامی هستند (خواججه‌سروی، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

۳- اهداف شکل‌گیری جنبش‌های دینی - مردمی خاورمیانه

زمینه‌ها و اهداف شکل‌گیری این جنبش‌ها در همه این کشورها (تونس، مصر، یمن، بحرین، لیبی، اردن و ...) به طور کامل یکسان نیست و در بعضی موارد، با توجه به ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تفاوت دارد؛ ولی همه این جنبش‌ها کم و بیش زمینه‌ها، اهداف و مطالبات یکسانی دارند که به این شرح است:

۳-۱- جبران تحقیرهای گذشته در برابر سلطه همه جانبه تاریخی غرب و حضور اسرائیل در منطقه

معمولاً انقلاب‌ها و جنبش‌ها، ریشه در عوامل تاریخی و وابسته به هم دارد. جنبش‌های اخیر خاورمیانه هم متأثر از این امر است. یکی از دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری این جنبش‌ها و اهداف آن‌ها را می‌توان در قالب سلطه تاریخی غرب بر خاورمیانه، تجزیه و تحلیل کرد. مسلمانان هم‌زمان با رنسانس اروپا، در تقابل با دولت‌های جدید اروپایی که به مرور زمان شکل گرفته بودند، در همه عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی دچار انحطاط شدیدی شدند. بعد از این حوادث و تسلط همه جانبه غرب بر مناطق استراتژیک جهان و جهان اسلام، دولت‌های سنتی اسلامی تحت سیطره کامل دولت‌های غربی قرار گرفتند و در معادلات جدید جهانی به رهبری غرب، مستحیل شدند.

پس از این وقایع، اندیشمندان جهان اسلام از گذشته تا به حال (سید جمال‌الدین

اسدآبادی، عبده، کواکبی، عبدالرزاق، رشیدرضا و ...) به دنبال دلایل شکل‌گیری معادلات جدید و راه حل فرار از این وضعیت بوده‌اند. آن‌ها اندیشه‌های خویش را در سطح جهان اسلام گسترش دادند و یکی از راه‌کارهای مهم آنان، بازگشت به اسلام ناب و اصیل و زدودن خرافات بود. همین اندیشه، از دو قرن پیش تاکنون زیربنای نهضت‌های اسلامی در خاورمیانه و جهان اسلام، در واکنش به تسلط همه‌جانبه غرب بوده است.

با پایان جنگ جهانی دوم، باز هم دولت‌های جدید خاورمیانه و نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها تحت سیطره دولت‌های غربی، از جمله انگلیس، فرانسه و آمریکا درآمدند. بعد از اتمام نظام قیومیت نیز دولت‌های خاورمیانه از جهات مختلف، به دولت‌های سرمایه‌داری غربی و در طی یک دوران، بعضی از این دولت‌ها (مصر، عراق) به شوروی وابسته بودند. با حمایت‌های انگلیس و آمریکا، رژیم اسرائیل با محوریت اسلام‌ستیزی و ناسیونالیسم یهودی در خاورمیانه شکل گرفت. بعد از وقوع سه جنگ بین دولت‌های عربی و اسرائیل و شکست اعراب در مقابل با حمایت‌های غرب، باز هم ملت‌های مسلمان خاورمیانه تحقیر شدند. ملت‌های خاورمیانه در واکنش به این عوامل تاریخی، با هدف شکل‌گیری حکومت‌های مردمی - اسلامی، درصدد سرنگون ساختن حکومت‌های اقتدارگرای وابسته به غرب برآمدند. در ادامه، نمودهای واقعی این موضوع ذکر شده است.

«مردم مصر در پی حمله هوایی نیروهای رژیم صهیونیستی به خاک کشورشان و به شهادت رسیدن پنج نظامی، خواستار قطع روابط با این رژیم، اخراج سفیر اسرائیل، لغو معاهده کمپ‌دیوید و قطع صدور گاز به رژیم صهیونیستی شدند. هزاران نفر از مردم قاهره با برگزاری تظاهرات در برابر سفارت رژیم صهیونیستی در قاهره، خواستار قطع روابط با رژیم صهیونیستی و اخراج سفیر از کشورشان شدند».

«خلیل شاهین» در مصاحبه با شبکه خبری العالم گفت: «روز جهانی قدس، رویداد مهمی برای جهان اسلام و همه ملت‌ها به منظور اعلام حمایت از مردم فلسطین، به ویژه مسأله قدس به شمار می‌رود و این موضوع، امسال (۲۰۱۱) اهمیت خاصی دارد؛ زیرا قدس در معرض حملات گسترده صهیونیست‌ها قرار گرفته است». وی افزود «روز قدس به یک روز جهانی تبدیل شده است و فقط روز ملت فلسطین یا امت اسلامی نیست. بلکه روز همه آزادگان جهان و حمایت از مبارزه همه ملت‌ها در راه رهایی از اشغال‌گری است».

دستگاه قضایی مصر، تحقیقات خود را در خصوص کمک‌های مالی پنهانی آمریکا و عربستان به برخی احزاب و سازمان‌های غیردولتی مصر، به ویژه بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه که هدفشان مقابله با احزاب در انتخابات آینده است، آغاز کرده است. شهروندان اردنی

با برپایی تظاهرات در شهرهای مختلف این کشور، درباره تحقق نیافتن اصلاحات، به عبدالله دوم، پادشاه اردن هشدار دادند. شهرهای مختلف اردن در جمعه موسوم به «جمعه حاکمیت»، شاهد اعتراضات مردمی برای چندین هفته متوالی بود. هم‌چنین برای اولین بار پس از سرنگونی زین‌العابدین بن‌علی، رئیس‌جمهور مخلوع تونس، مردم این کشور توانستند در ماه مبارک رمضان با آزادی کامل به اجرای مراسم مذهبی خود بپردازند.

۳-۲- رسیدن به حقوق شهروندی در قالب حکومت‌های مردمی - اسلامی
در طول چند دهه گذشته، حکومت‌های اقتدارگرا و وابسته به غرب در خاورمیانه، ملت‌هایشان را از حقوق شهروندی خویش محروم کرده بودند. در نتیجه این ملت‌ها با هدف شکل‌گیری حکومت‌هایی با شاخصه‌های مردمی و فرهنگی - دینی خویش، انقلاب کردند تا بتوانند هم حکومت‌های مورد نظر خود را تشکیل دهند و هم از اقبال این حکومت‌های مردمی به حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌شان برسند. بنابراین، در یک کلام می‌توان گفت که رسیدن به حقوق شهروندی در قالب حکومت‌های مردمی - اسلامی، یکی از اهداف اصلی این جنبش‌هاست.

بعد از نیم قرن حاکمیت دیکتاتورهای مستبد در لیبی، اولین حزب سیاسی مستقل به نام «لیبی جدید»، در شهر بنغازی، واقع در شرق لیبی، اعلام موجودیت کرد. فعالان و اعضای این حزب معتقدند رسالت و پیام حزب «لیبی جدید» اخلاص به خداوند و اسلام‌گرایی، میهن و رهایی یافتن از حکومت طاغوت وابسته به غرب است. به خبرگزاری فارس، «عبدالکریم بالحاج»، رئیس شورای نظامی طرابلس، در گفت و گو با این خبرگزاری گفت: «انقلابی که از ۱۷ فوریه ۲۰۱۱ (۲۷ بهمن ۱۳۸۹) علیه سرهنگ قذافی شروع شده، یک انقلاب به تمام معنا اسلامی است. بالحاج تأکید کرد: در این انقلاب شعاری جز شعار «الله‌اکبر» شنیده نمی‌شده است. بالحاج در پاسخ به این سؤال که مردم لیبی خواستار چه نوع سیستمی برای اداره کشور خود هستند، گفت: اکثریت مطلق مردم لیبی مسلمان و طبیعتاً خواستار یک سیستم اسلامی با رعایت همه حقوق شهروندی هستند؛ انقلاب ما اسلامی است و مردم به همین خاطر به خیابان‌ها آمده‌اند». در اولین اجلاس بین‌المللی تهران با موضوع «جوانان و بیداری اسلامی» که در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲۶ و با حضور جمع زیادی از اندیشمندان، روشنفکران و نخبگان جهان اسلام برگزار شد، می‌توان اهداف و زمینه‌های شکل‌گیری تحولات اخیر را به‌عنوان ظرفیتی برای الگودهی انقلاب اسلامی تبیین کرد.

مقام معظم رهبری درباره زمینه‌ها و اهداف شکل‌گیری جنبش‌های اخیر فرمودند «شعارها و رفتارهای مردم منطقه، نشان‌دهنده اصول، ارزش‌ها و اهداف انقلاب‌های جاری در منطقه است و با استناد به این موقعیت، احیا و تجدید عزت و کرامت ملی

پایمال شده به دست دیکتاتورهای فاسد و وابسته به آمریکا و از اصول درجه اول انقلاب‌های کنونی است و ... برافراشتن پرچم اسلام به عنوان تجلی اعتقادات عمیق و دیرین مردم، از دیگر اصول انقلاب‌های کنونی می‌باشد و ... ملت‌های منطقه بر این اعتقادند که برخورداری از امنیت روانی، عدالت، پیشرفت و شکوفایی جز در سایه شریعت اسلامی به دست نخواهد آمد». «منذر حبیبی»، عضو جمعیت فرهنگی تازه تأسیس «الموده» شیعیان تونس و شرکت‌کننده در همایش بین‌المللی «جوانان و بیداری اسلامی» در تهران، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) گفت رهبر انقلاب اسلامی ایران، آیت‌الله خامنه‌ای توصیه‌های ارزنده‌ای درباره بیداری اسلامی دارند که عمل به این توصیه‌ها می‌تواند راهگشای ملت‌های مسلمان باشد. وی در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به توطئه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی برای انحراف انقلاب‌های منطقه، تأکید کرد «آمریکا و رژیم صهیونیستی در هر شرایطی برای ضربه زدن به امت اسلام تلاش می‌کنند و هیچ وقت صحنه را خالی نکرده و با آخرین توان خود سعی دارند ملت‌های مسلمان را منحرف کنند و این قدرت‌های زورگو که بر غصب و اشغال بنا شده‌اند. امروز نیز در جریان بیداری اسلامی، موضع خود را تغییر نداده و اهداف شوم خود را دنبال می‌کنند».

از سخنان منذر حبیبی می‌توان تا حدود زیادی به اهمیت زمینه‌ها و اهداف شکل‌گیری جنبش‌های اخیر، به عنوان یک ظرفیت برای نظام الگویی انقلاب اسلامی، پی برد. آغاز برخی از این حرکت‌ها ممکن است متأثر از برخی مطالبات اقتصادی و سیاسی باشد، ولی تبدیل مکان‌ها یا نهادهای مذهبی، نظیر نمازهای جمعه و جماعات و مساجد به خاستگاه این تحرکات و نیز شعارهای اسلامی، نمایانگر جهت‌گیری اصلی آن‌هاست. در صورت جهت‌گیری جنبش‌های اخیر به سمت حکومت‌های مردمی-اسلامی، احتمال الگوگیری این جنبش‌ها از انقلاب اسلامی ایران تا حد زیادی افزایش خواهد یافت و این می‌تواند منافع ملی آمریکا در خاورمیانه را که مبتنی بر ارزش‌های لیبرال دموکراسی است، به خطر بیندازد.

تردید نیست که این ملت‌ها به دنبال شکل‌گیری حکومت‌هایی بر مبنای حضور مردم و با توجه به فرهنگ خویش هستند. این موضوع در صورت پیروزی کامل این جنبش‌ها، نقش دین اسلام را به عنوان اصلی محوری، در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و ... در نتیجه در سیاست خارجی این کشورها، پررنگ خواهد کرد و می‌توان آن را ظرفیتی برای الگوی حکومت دینی انقلاب اسلامی در آینده نزدیک دانست (ابراهیمی و ستوده، ۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۲۱).

۴- بیداری اسلامی و چالش‌های پیش رو در کشورهای منطقه

از آنجا که بررسی آسیب‌ها و نقاط ضعف قیام‌ها و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی از ضروری‌ترین مسائلی است که بایستی به آن توجه داشت تا بتوان از این طریق در مصون ماندن آن حرکت و جنبش از انحراف و اشتباهات گام تأثیرگذاری برداشت. در ادامه به چالش‌ها و تهدیدهای پیش روی جنبش بیداری اسلامی در منطقه می‌پردازیم:

۱- روی کار آمدن عناصر متعهد به آمریکا و غرب

کشورهای غربی، پس از ناکامی در ممانعت از بیداری اسلامی و تحقق انقلاب در برخی کشورها، تلاش دارند تا مانع از تحقق کامل اهداف انقلاب شوند. از جمله سعی دارند تا عناصر لیبرال و وابسته به آمریکا در کشورهای اسلامی قدرت را به دست گیرند.

علت سقوط زود هنگام دولت مرسی، اشتباهات محاسباتی او بود که در این مدت کوتاه بروز و ظهور کرد و باعث شد به تعداد مخالفان او در داخل و خارج افزوده شود. از جمله این اشتباهات استمرار ارتباط با رژیم صهیونیستی و پشت کردن به کشورهای دوست مثل سوریه و همراهی با گروه افراطیون و سلفی‌ها بود. مراد از این اشاره مختصر به تحولات مصر آن است که در صورت غفلت از اصول و ارزش‌های بیداری اسلامی و عدم توجه به واقعیت‌های درون جامعه و شرایط بیرونی، بی‌تردید فرصت طلایی در اختیار کمی‌نشستگان و آسیب‌دیدگان ناشی از بیداری قرار خواهد داد تا آنان با استفاده از ابزارها و عناصر دست‌نشانده داخلی در به انحراف کشاندن انقلاب و بیداری، نقشه خود را به منصفه ظهور برسانند. مسئله انحراف، همانند اختلاف، یک مسئله قابل توجهی است که نباید مورد غفلت قرار گیرد. همه این‌ها جزء تاکتیک‌های بازیگران خارجی در عرصه تحولات منطقه‌ای است که همه‌گونه شرایط و زمینه برای استفاده از آن‌ها برای دشمن فراهم می‌کند. بنابراین، مسئله انحراف در حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی یکی از آفت‌های بزرگی است که مقام معظم رهبری مرتب نسبت به آن نگرانی خود را اعلام نموده است. از جمله دغدغه‌های اصلی ایشان در بیداری اسلامی، انحراف انقلاب‌ها از جهت اصلی خود، بیراهه رفتن آن‌ها و همچنین آینده و فرصتی که این انقلاب را برای مردم مسلمان ایجاد می‌کند، بوده است.

در نظر ایشان آسیب‌های این حرکت‌ها دو بخش دارد: آن‌هایی که در درون خود ما ریشه دارد و از ضعف‌های ما بر می‌خیزد و آن‌هایی که دشمن به‌طور مستقیم آن را برنامه‌ریزی می‌کند. آن‌گاه در تبیین بخش دوم از آسیب با ذکر مصادیقی اشاره می‌کند: «آسیب‌های دسته دوم را غالباً ملت‌های این منطقه در حوادث گوناگونی آزموده‌اند، نخستین آسیب، بر روی کار آوردن عناصری است که خود را متعهد به آمریکا و

غرب می‌دانند، غرب می‌کوشد پس از سقوط ناگزیر مهره‌های وابسته، اصل سیستم و اهرم‌های اصلی قدرت را حفظ کند و سر دیگری را بر روی این بدن بگذارد و بدین وسیله سلطه خود را هم‌چنان ادامه دهد. این به معنای هدر رفتن همه تلاش‌ها و مجاهدت‌ها است. در این مرحله اگر با مقاومت و هوشیاری مردم مواجه شوند می‌کوشند تا بدیل‌های انحرافی گوناگون در پیش پای نهضت و مردم بگذارند. این سناریو می‌تواند پیشنهاد مدل‌های حکومتی و قانون اساسی‌هایی باشد که کشورهای اسلامی را بار دیگر در دام وابستگی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی به غرب بیفکند و می‌تواند نفوذ میان انقلابیون و تقویت مالی و رسانه‌ای یک جریان نامطمئن و به حاشیه راندن جریان‌های اصیل در انقلاب باشد. این نیز به معنی بازگردان سلطه غرب و تثبیت مدل‌های نوسازی شده غربی و بیگانه از اصول انقلاب و در نهایت، تسلط آن‌ها بر اوضاع است» (سخنرانی در اجلاس بین‌المللی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲).

۲- حرکات تفرقه‌افکنانه قومی و مذهبی

ایجاد اختلاف بین گروه‌های مختلف مذهبی شیعه و سنی و یا بین احزاب و گروه‌های مختلف در کشورهای اسلامی از دیگر تلاش‌های دشمنان برای جلوگیری از تحقق بیداری اسلامی است. امروز امواج بیداری اسلامی به سرعت در حال پیشرفت و گسترش در سراسر جهان است و فرصت بسیار تعیین‌کننده‌ای برای نجات کشورهای اسلامی پیش آمده تا با تمسک به آیین نجات بخش اسلام و وحدت و یکپارچگی اسلامی و اجتماعی، به نقشه‌ها و دسیسه‌های بازیگران عرصه جهانی برای همیشه خاتمه دهند. هم‌اکنون موج بیداری اسلامی باعث شکست سیاست‌ها و رویکردهای استعماری استکبار شده است و آن‌ها سعی دارند تا با این موج عظیم که سراسر منطقه و جهان اسلام را فراگرفته است از هر راهی با به کار بستن حربه‌ها و حیل‌های گوناگون مقابله کنند. در حقیقت بیداری اسلامی به مفهوم احیای اسلامی با شکست مکاتب مادی‌گرا و ارزش‌های مادی رایج، زمینه استقلال، آزادی، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی الهی را زنده نموده است. با توجه به این موج عظیم که دشمنان مسلمانان از جمله آمریکا و رژیم صهیونیستی خود را در حال غرق شدن می‌بینند، در تلاش‌اند تا با افزایش فشارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی بر آن‌ها و هم‌چنین ایجاد شکاف عمیق میان اقوام و فرقه‌های مذهبی و تبدیل اختلافات به جنگ‌های خونین داخلی از بروز و ظهور حکومت‌های مردمی و اسلامی جلوگیری نمایند.

۳- حصر اقتصادی، تحریم و بلوکه کردن سرمایه‌های ملی ملت‌ها
تحریم اقتصادی از ابزارهای کاربردی آمریکا و کشورهای غربی برای تضعیف و مقابله با کشورهای انقلابی می‌باشد. در این مورد جمهوری اسلامی ایران بهترین نمونه‌ای است که در مقابل تحریم‌های گسترده اقتصادی و سیاسی، مقاومت کرده است.

۴- جنگ نرم و تهاجم فرهنگی غرب علیه ملت‌های مسلمان
یکی دیگر از تهدیداتی که متوجه بیداری اسلامی است، جنگ نرم و تهاجم گسترده بر علیه مسلمانان است. گسترش شیعه هراسی، اهانت به مقدسات اسلامی، از جمله تهیه فیلم بر علیه شخصیت گرامی پیامبر اکرم و کشیدن کاریکاتور پیامبر از دیگر اقدامات دشمنان در این زمینه است.

۵- تلاش‌های فراوان غرب برای جلوگیری از الگوشدن جمهوری اسلامی در منطقه و دیده نشدن آن
موج بیداری اسلامی در کشورهای منطقه، نفوذ و موقعیت جمهوری اسلامی ایران را ارتقا می‌دهد و ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران را نشر می‌دهد. در نتیجه کشورهای غربی و آمریکا سعی دارند تا از طرق مختلف بویژه تحریم اقتصادی و سیاسی گسترده ایران، ممانعت از توفیق برنامه هسته‌ای ایران، ترور شخصیت‌های مختلف علمی و اجرای برنامه‌های براندازی نرم سعی دارند تا از الگو شدن انقلاب اسلامی ایران جلوگیری نمایند.

احتمال ترور نخبگان صالح و موثر و یا بدنام کردن آن‌ها، خریدن برخی از افراد سست عنصر، هجوم همه جانبه تبلیغاتی و رسانه‌ای، القای تحلیل‌های انحرافی و غیر واقعی از قیام‌ها، پیشنهاد بدیل‌های انحرافی گوناگون به نهضت‌های مردمی، فریب و قانع کردن مردم با دستاوردهای جزئی و ابتدایی، شبیه‌سازی انقلابات در مورد کشورهای مستقل اسلامی منطقه، احتمال بازگشت عوامل وابسته به غرب از راه‌های مختلف، اعطای امتیازات مادی، رفاهی و معیشتی و برخی آزادیها آرام کردن انقلابیون، القای ناکارآمدی دین در اداره امور جامعه، دامن زدن به هرج و مرج، بی‌ثباتی و نا امنی اقتصادی و اجتماعی با هدف نگران کردن مردم، ارائه تصویر آرمانی از ارزش‌های آمریکایی و لیبرال دموکراسی غربی از دیگر تهدیدات بیداری اسلامی هستند.

۶- فقدان وحدت فکری و گفتمان اسلامی
بیداری اسلامی خاستگاه محدود و مشخصی ندارد که حرکت خود را در چارچوب وحدت اندیشه حزبی دارای نشانه‌ها و گرایش‌ها و روش‌ها بروز دهد. بلکه بیداری

اسلامی یک وضعیت و حالت عام اسلامی است که نشان دهنده اجتهادها و برداشت‌های مختلفی می‌باشد که بزرگان دین اسلام در آن اختلاف نظر دارند. علاوه بر آن باید اضافه کرد که بیداری اسلامی حاصل یک اندیشه کلی و حرکت اجتماعی است که پس از بروز و ظهور با جزئیات سروکار ندارد و با چالش‌های حاصل از حوادث و رویدادهای گوناگون مواجه می‌شوند. از این جهت نیازمندی به یک گفتمان و وحدت فکری در میان جوامع اسلامی احساس می‌شود تا از خطر نفوذ فکری و اعتقادی بیگانگان و روش‌های سلطه جویانه آن‌ها در منطقه به‌طور حساب شده جلوگیری شود. در نظام بیداری اسلامی که فرهنگ‌ها، نظام‌های اعتقادی و ارزش‌های گوناگون آن، مسلمانان را به خاطر جلوه‌های کرامت انسانی و رهایی از زیر یوغ سلطه خارجی و استبداد داخلی به وجد و نشاط می‌آورد ممکن است آنان را به خاطر ترس از فقدان فکری و گفتمان اسلامی هراسناک کرده باشد. بر این اساس باید به این نکته توجه کرد که پیامد فقدان وحدت گفتمان اسلامی در دنیای اسلام ممکن است که بیداری اسلامی را با خطر جدی مواجه نماید. از آموزه‌های دینی مسلمانان، تشویق نخبگان و روشنفکران به دست برداشتن از منافع شخصی خود و ایجاد گفتمان واحد در میان جامعه در راستای حرکت به سوی رشد و تعالی معنوی برای تضمین سلامت و صلابت حرکت‌های اسلامی است. لازم است به این نکته مهم نیز اشاره شود که مراد از وحدت و گفتمان اسلامی میان جوامع اسلامی و مسلمانان به معنای نادیده گرفتن اختلافات و یکی شدن مذاهب (شیعه شدن سنی و سنی شدن شیعه) نیست بلکه مقصود از آن همبستگی مسلمانان به لحاظ وحدت فکری در اتحاد پیروان مذاهب گوناگون با وجود اختلافات و تفاوت‌های مذهبی، در برابر دشمنان اسلام و کفر جهانی است یعنی برای حفظ و تعالی اسلام و حرکت‌های اسلامی با همدیگر همکاری و همیاری داشته باشند چرا که هر دو، دشمن واحدی دارند، در این خصوص به یکی از بیانات مهم حضرت امام خمینی اشاره می‌کنیم که فرمودند:

«امروز آن چیزی که تکلیف همه ماست، شما برادرهای اهل سنت، این‌ها برادرهای اهل تشیع، همه، همه افراد این ملت تکلیف دارند، این است که الآن توجه به این معنا داشته باشند که دست‌هایی در کار است که نگذارند اسلام تحقق پیدا بکند، با شیوه‌های مختلف. شیوه‌های مختلفی الآن در کار است؛ و این نکته اش این است که خارجی‌ها آنکه به آن رسیده‌اند این است که اسلام است که جلو منافع آن‌ها را می‌گیرد. اگر اسلام تحقق پیدا بکند، این مملکت یک مملکت اسلامی بشود، دست آن‌ها دیگر تا آخر کوتاه است» (امام خمینی، ج ۸، ۱۳۶۱: ۱۳۱).

بنابراین پر واضح است که اگر گفته می‌شود وحدت میان مسلمانان بدان معنا نیست که آن‌ها به لحاظ مذهب یکی باشند مراد وحدت فکری و سیاسی مسلمانان برای رسیدن

به یک هدف مشترک است که برای آن قیام کردند و بیداری اسلامی را در میان ملت به وجود آوردند.

۷- بازگشت دیکتاتوری

با وجود سقوط نظام‌های دیکتاتوری در مصر و تونس و کناره‌گیری مبارک و بن‌علی، به دلیل عدم تغییر جدی در ساختارها و نهادها سیاسی، اجتماعی، امنیتی و نظامی؛ بسیاری معتقدند این کشورها تنها دستخوش تغییری در راس مدیریتی خود شده و نمی‌توان ادعا کرد که در آن‌ها انقلاب روی داده است. چه این تفسیر را قبول کنیم و چه آن را رد کنیم واقعیت آن است که ساختار امنیتی و نظامی که در این دو کشور دست نخورده باقی مانده، به خاطر حفظ جایگاه اقتصادی و سیاسی خود همچون یک مانع قدرتمند در مقابل تغییرات انقلابی مقاومت می‌کند و چه بسا چنانچه فضا و شرایط را مناسب ببیند، دیکتاتوری‌های نظامی در این کشورها را احیا کند.

۸- فقدان الگو

بی‌تردید چالش‌های زیادی در مسیر تحقق یک سامان سیاسی مطلوب مردم وجود دارد. دشواری اساسی از آن‌جا بر می‌خیزد که یک الگوی مدون و مطابق با نیازهای این جوامع در دسترس آن‌ها نیست. گرچه مردمان این کشورها به صورت اساسی می‌دانند چه می‌خواهند و چه نمی‌خواهند، ولی مسئله آن است که گروه‌های اصلی مبارز و فعال در صحنه سیاسی نمی‌دانند که چگونه باید خواسته‌های خود را تحقق عینی ببخشند. تردیدی نیست که آن‌ها اقتدارگرایی، غرب‌گرایی، سکولاریسم و ملی‌گرایی را نمی‌خواهند و همچنین شکی نیست که آن‌ها خواهان تحقق یک نظم سیاسی مبتنی بر اسلام، مردم‌سالاری، قادر به حل مسئله توسعه نیافتگی و نهایتاً تامین استقلال و عزت ملی در مقابل غرب و اسرائیل هستند. ولی تحقق این آرمان‌ها ابزارها و شیوه‌هایی را می‌طلبد که نیروهای موجود در صحنه از آن‌ها بی‌بهره‌اند. خلأی که می‌تواند تهید کننده باشد. چالش را می‌توان «چالش فقدان الگو» نام نهاد. از همین رو برخی قدرت‌ها و کشورها با استفاده از این خلأ تلاش در سوق دادن جنبش‌های پیروز به سوی الگوی مطلوب خود و بر ضد هویت پایه‌ای آن می‌باشند. طرح الگوی ترکیه و تشویق به اتخاذ رویکردهای سکولار و لائیک در مصر و تونس نمونه‌ای از چنین اقداماتی می‌باشد (نیک‌خواه، ۱۳۹۱).

نتیجه‌گیری

تحولاتی که در سال ۲۰۱۱ کل منطقه خاورمیانه غربی و شمال آفریقا را درنوردید، تحولاتی بود که گرچه برای برخی غیرمنتظره بود، اما برای کارشناسان و محققانی که سال‌ها روی منطقه خاورمیانه مطالعه کرده بودند قابل پیش‌بینی بود. این تحولات ریشه در خشم فروخته مردم و ستم مداوم نظام‌های اقتدارگرای حاضر در این منطقه داشت که همراه با معضلات سنگین اقتصادی و فرهنگی در این جوامع نهایتاً به تغییرات گسترده در سطح جوامعی همچون تونس، مصر و لیبی منجر شد. با این حال جوامع کشورهای هم‌چون اردن، مغرب، یمن و بحرین نیز از این تحولات متأثر شدند و نشان دادند که میزان فرسودگی و پوسیدگی نظام‌های حاکم، منحصر به چند کشوری که در آن‌ها تغییر رهبر یا رئیس‌جمهور روی داد نیست و این فرایند به احتمال قوی در سال‌های آینده نیز تداوم خواهد یافت.

در حال حاضر موج سوم بیداری اسلامی در جهان اسلام به پا خواسته است؛ موجی که دامن حکومت‌های دست‌نشانده استبدادی و استعمارگران را گرفته و در حال سرنگونی آن‌ها است.

وجود چالش‌های پیش روی بیداری اسلامی، جدی است و ایفای نقش متولیان این حرکت‌ها و نهضت‌ها و نخبگان انقلابی و اسلامی به همراه مردم مسلمان این مناطق در امر خنثی‌سازی توطئه‌ها و برطرف‌سازی ضعف‌ها و این چالش‌ها ضروری است. در نهایت، تلاش برای بالا بردن سطح آگاهی‌های مردم و کنار گذاشتن اختلافات ناشی از سلاقی سیاسی و اقتصادی، قومی و مذهبی، فکری و فرهنگی و نیز متمرکز شدن در برطرف کردن مشکلات ناشی از تحولات اجتماعی مؤثر در عرصه‌های اقتصادی و همچنین چالش‌های بیرونی در جهت ترسیم چشم انداز حرکت‌های اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار است. چالش‌هایی که با تاکید بر دو مولفه «نهادسازی» و «نظام‌سازی» قابل تعدیل و مواجهه می‌باشند.

منابع و مآخذ

- ابراهیمی، شهروز و علی اصغر ستوده (۱۳۹۱)، «امکان‌سنجی الگودهی انقلاب اسلامی ایران به جنبش‌های دینی- مردمی اخیر در خاورمیانه»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، بهار، شماره ۲۸.
- بلنداختر، نوراحمد (۱۳۸۴)، «انسجام اسلامی در عصر بیداری اسلامی»، فصلنامه فروغ وحدت، سال سوم، شماره دهم، زمستان.
- خمینی، روح‌الله موسوی (۱۳۶۱)، صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره))،

سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، جلد ۸.
خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۹۱)، «نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی: وجوه تشابه و تمایز»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، بهار.

قزوینی، حمید (۱۳۸۷)، سلطه خارجی و فقدان مشروعیت سیاسی رژیم پهلوی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

موسوی‌هاشمی، عباس (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی: زمینه‌ها و پیامدها»:

<http://www.rasekhoon.net/article/s>

«چرایی اقتصادی انقلاب اسلامی» (۱۳۸۹)، سایت تبیان:

<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid>

شیبانی‌فر، محمدحسین (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و موانع آن در اندیشه امام خمینی(ره)»، سایت راسخون:

<http://www.rasekhoon.net/article/show>

سخنرانی در اجلاس بین‌المللی علما و بیداری اسلامی (۱۳۹۲)، پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۲/۹:

www.khamenei.ir

رضا، نیک‌خواه (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و چالش‌های پیش رو»، سه‌شنبه نهم خرداد ۱۳۹۱:

<http://arezakhah.blogfa.com/post.aspx.112>